

طرح سنجش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه

مجید کافی*

چکیده

برای سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه، مسیرهای احتمالی متعددی بیان شده است. آیا کثرت‌گرایی نیز می‌تواند مسیری برای سکولار شدن آنان باشد. این جستار، با انتخاب چارچوب نظری «سازه‌گرایی»، درصدد پاسخگویی به سؤال بالا است. برای انجام دادن این مهم، ابتدا به تعریف مفهومی اصطلاحات «کثرت‌گرایی» و «سکولار شدن» می‌پردازیم، آنگاه با ارائه الگوی تحلیل، که در آن به عوامل کثرت‌گرایی و شاخص‌های سکولار شدن اشاره شده است، مسئله تبیین می‌شود. در این باره، این تحقیق به دو نتیجه مشخص می‌رسد: یکی اینکه کثرت‌گرایی معرفتی، سبب سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه می‌شود و دوم اینکه در ایران به علت پیروی از دین واحد و یکدست و تشکیل حکومت دینی بر پایه آن و اینکه کشوری به لحاظ دینی، واحد است، کثرت‌گرایی اجتماعی در آن موردی ندارد. لذا سکولار شدن افراد از این مسیر، به نظر محتمل نمی‌رسد؛ اما از مسیر کثرت‌قرائات دینی (کثرت‌گرایی معرفتی) اگرچه تا سکولار شدن راهی بس طولانی در پیش دارد، اما نسل جوان و قشر تحصیلکرده امروز، تحت تأثیر جریان‌های روشنفکری غربی هستند که احتمالاً در آینده، به سکولار شدن جامعه ایران خواهد انجامید.

واژه‌های کلیدی: کثرت‌گرایی، کثرت‌گرایی اجتماعی، کثرت‌گرایی معرفتی، سکولار شدن، نظریه سازه‌گرایی

مقدمه

تحلیل‌های نظری، بیانگر آن است که در جوامع در حال گذار، دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی‌ای است که دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود. دینداری در میان ایرانیان به‌طور کلی و در میان تحصیلکردگان حوزوی و دانشگاهی به‌طور خاص، از این تحول مستثنا نیست. طبق تحقیقات متعدد، این تغییرات در نهادهای حامل مدرنیته (اقتصاد، صنعت، دولت و...) بررسی شده است؛ اما این مقاله، درصدد است این تغییرات را در میان افراد تحصیلکرده حوزوی و دانشگاهی بررسی کند.

حوزویان بر خلاف دانشگاهیان با وجودی که حامل مدرنیته محسوب نمی‌شوند، اما در میان آنان جوانانی را می‌توان یافت که از حاملان آگاهی مدرن در جامعه در حال توسعه ایران محسوب می‌شوند و از پیامد مدرنیته تأثیر پذیرفته، به گسترش کثرت‌گرایی دامن زده‌اند. این بدین معنا نیست که با رواج معرفت مدرن در میان طلاب، ضرورتاً از سطح دینداری آنان کاسته می‌شود؛ اما به احتمال زیاد، نوع نگرش به دین و گرایش‌های دینی آنان تغییر می‌کند.

برای سکولار شدن، مسیرهای احتمالی متعددی بیان شده است. یکی از این مسیرها، که با خود دین مرتبط است، مسیر کثرت‌گرایی است که در این جستار درصدد بررسی چند و چون آن هستیم. پی بردن به ارتباط میان کثرت‌گرایی و سکولار شدن افراد، آسان نیست؛ زیرا فهم این ارتباط، به عوامل خاص و پیچیده تاریخی در جوامع مورد بررسی بستگی دارد. با این حال، بر این باوریم که رویکرد و نگرشی که بیان می‌کند: سکولار شدن افراد نمی‌تواند به‌طور طبیعی با کثرت‌گرایی بی‌ارتباط باشد، خالی از واقعیت نیست.

در این جستار، سعی شده است به الگویی درباره روش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولار شدن افراد با تحصیلات عالی دانشگاهی و حوزوی، که مدعای اصلی و محصول نهایی آن است، دست یابیم. مقاله حاوی اشاراتی به صور کثرت‌گرایی و سکولار شدن و ارائه مدل سازوکار تأثیر متغیر کثرت‌گرایی بر سکولار شدن و بررسی مورد طلاب و دانشگاهی، طبق الگوی ارائه شده است. به عبارت دیگر، هدف از بررسی این مسئله، برآورد میزان احتمال سکولار شدن طلاب و دانشگاهیان از خلال کثرت‌گرایی است.

مفهوم و صور کثرت‌گرایی دینی

ایضاح اوضاع و احوال دین در روزگار ما اولین موضوعی است که باید بررسی شود؛ زیرا فهم وجود یا عدم رابطه میان کثرت‌گرایی و سکولار شدن، به‌طور عجیبی با مسائل نظری و

مشکلات عملی روزگار ما، در باب دین و دینداری ربط و نسبت دارد و کاملاً باب روز و مناسب روزگار ما است. از این رو، بررسی رابطه کثرت‌گرایی و سکولار شدن، بر فهمی از این دو اصطلاح، مبتنی است.

مدافعان کثرت‌گرایی باور دارند که کثرت‌گرایی دیدگاهی است که می‌خواهد برای حقانیت، نجات‌بخشی و اعتبار همزمان همه ادیان راهی بیابد و مدعی است که این راه را یافته، به تبیین قابل قبولی از مسئله رسیده است. کثرت‌گرایان تصدیق می‌کنند که همه ادیان بزرگ، راهی به سوی نجات عرضه می‌کنند و همه آنها دربردارنده حقیقت دینی‌اند. همچنین آن گونه‌ای از کثرت‌گرایی مدعی است رستگاری و نجات به واسطه حقیقت مشترکی که در ادیان نهفته است، قابل دستیابی است و دیگر این که تفاوت‌های میان ادیان، نسبی است (لگنهاوزن، ۱۳۷۹، ص ۱۱). کثرت‌گرایی می‌تواند چهره‌ها و صور گوناگونی داشته باشد. کثرت‌گرایی دینی، به خصوص در اندیشه جان هیک (۱۳۷۸) دارای صوری است که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد.

یکی از معانی کثرت‌گرایی، آن است که پیروان ادیان، با تسامح با پیروان ادیان دیگر رفتار کنند. در اصطلاح، به این کثرت‌گرایی، کثرت‌گرایی هنجاری یا کثرت‌گرایی اخلاقی گفته می‌شود. دومین معنای کثرت‌گرایی به کثرت‌گرایی نجات‌بخش معروف است. بر اساس این معنا، همه پیروان ادیان، اهل نجات هستند. کثرت‌گرایی نجات‌بخش می‌تواند پشتوانه مناسبی برای کثرت‌گرایی اخلاقی باشد. اگر پیروان هر دینی بر آن باشند که پیروان دیگر ادیان نیز اهل نجاتند، بهتر می‌توانند با تسامح و عطف با آنان رفتار کنند. سومین معنای کثرت‌گرایی جان هیک به کثرت‌گرایی در حقانیت مربوط می‌شود. بر اساس این معنا، دعاوی ادیان گوناگون، به طور یکسان حقانیت دارند. البته در این معنا مراد این نیست که همه آموزه‌های ادیان مختلف درست هستند؛ زیرا او با صراحت اعلام می‌کند که برخی از تعالیم سنتی مسیحیت (به‌ویژه آموزه‌های مربوط به تجسم و نجات انحصاری مسیحیان مؤمن) نادرست است. او می‌خواهد ادعا کند که به‌رغم ناسازگاری ظاهری میان آموزه‌های مهم ادیان بزرگ، همه آنها می‌توانند از یک جهت درست باشند (لگنهاوزن، ۱۳۷۹، ص ۳۴-۳۸). از صور مختلف کثرت‌گرایی، که در مسیر سکولار شدن افراد و جوامع اهمیت بسزایی دارند، دو صورت در جستار ما قابل پیگیری هستند که به توضیح و شرح آنها می‌پردازیم:

کثرت اجتماعی

این اصطلاح، زمانی به کار می‌رود که جامعه چنددینی باشد؛ یعنی حاملان چند دین متفاوت، در آن فعالیت داشته باشند یا گروه‌های مختلف دینی از سوی دولت، در جامعه تحمل‌پذیر بوده، از امکان رقابت آزاد با یکدیگر برخوردار باشند. جامعه لبنان، که ادیان متعددی در آن به وضوح دیده می‌شوند، نمونه جامعه دینی به لحاظ اجتماعی متکثر است. در این دست از جوامع، روند انحصارزدایی از دین، مربوط به ساختارها می‌شود که جنبه‌ای اجتماعی دارد.

کثرت معرفتی

با وجود اینکه امروزه بیشتر کشورهای جهان از نوعی وحدت دینی درونی برخوردارند و به همین دلیل، وجود یک جهان‌بینی و نظام ارزشی واحد، آن جامعه را یکپارچه ساخته است، اما کثرت معرفتی، منحصر به جوامع متکثر به لحاظ اجتماعی نیست؛ زیرا در جوامع غیر متکثر به لحاظ اجتماعی، چون فقط یک دین وجود دارد (یا در صورت تعدد ادیان، یک دین بر سایر ادیان به گونه‌ای غلبه دارد که سایر ادیان چنان نقش دینی در آن جامعه بازی نمی‌کنند یا پیروان آن دین، از اکثریت غالب و تعیین‌کننده برخوردارند)، پویایی و حرکت رو به رشد آن دین، به ارائه قرائت‌های جدید و متعددی از متون آن دین است که منجر به کثرت معرفتی آن می‌گردد. افزون بر این، برای دین متکی به متن، وجود برداشت‌ها و فهم‌های مختلف، یک امر طبیعی و گزیرناپذیر است و این از یک سو ناشی از خصلت تأثیرپذیر انسان به مثابه فاعل شناسا و معرفت‌های او است و از سوی دیگر، در اجمال، تأویل داشتن، ظاهر و باطن داشتن و متشابه بودن متون دینی^۱ و خصلت قرائت‌پذیری آنها است.

صور تکثر معرفتی

از صور مختلف تلقی از دین، که از لحاظ معرفتی متعددند، سه تلقی از اهمیت بیشتری برخوردارند که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم:

تلقی سنتی از دین: در تلقی سنتی از دین، دینداران دین را منحصر به اعتقاد و بعد معرفتی ثابت می‌دانند. نقش سنتی دین، ساختن دنیایی مشترک برای همه افراد جامعه

۱. در قرآن برخی آیات به صورت متشابه بیان شده است. آیات متشابه به آیاتی اطلاق می‌شود که دارای احتمالات متعددی بوده، تفسیرهای گوناگونی را برمی‌تابد. از این رو، تفسیر آنها دقت و تأمل بیشتری می‌طلبد و در نهایت ممکن است مفسران، دو یا چند تفسیر از آن آیه ارائه کنند که اثبات رجحان یکی از آنها آسان نباشد و همه آنها پذیرفتنی تلقی شود. وجود این تفسیرهای متعدد نیز می‌تواند زمینه‌ای برای پذیرش تعدد قرائت باشد (مصباح یزدی، تعدد قرائت‌ها، ص ۲۴).

بود که در آن، همهٔ مظاهر حیات اجتماعی، به غایتی یکتا برسند و معتقدان به این غایت را گرد هم آورد.

تلقی‌های درون‌دینی (مذهبی): این الگو شامل جوامعی نیز می‌گردد که نه از کثرت دین، بلکه از نوعی کثرت مذهبی برخوردار باشند. می‌توان جوامعی که جمعیت آن را پیروان مذاهب و فرق مختلف یک دین تشکیل داده‌اند، از مصادیق جامعه با کثرت معرفتی برشمرد.

تلقی فردگرایانه از دین: یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های دین با نگرش کثرت‌گرایی در قلمرو زندگی خصوصی روزمرهٔ اجتماعی قرار دارد و تحت تأثیر ویژگی‌های خاص قلمرو در جامعهٔ امروزی تغییر و تحول پیدا می‌کند. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها در این قلمرو فردگرایی است؛ بدین معنا که نگرش فردگرایانه، معرفتی خصوصی از دین ارائه می‌دهد که با نگرش سنتی به دین متفاوت است. دین خصوصی شده، چیزی جز انتخاب یا اولویت فرد نیست و فی‌نفسه فاقد خصوصیات جمعی و کیفیات تحمیلی است. این نوع دین خصوصی شده، گرچه ممکن است برای افرادی که آن را انتخاب می‌کنند، جنبه‌ای واقعی داشته باشد، اما قادر نیست نقش پیشین خود را ایفا کند. نقش پیشین آن، ساختن دنیایی مشترک برای همهٔ افراد جامعه بود که در آن، همهٔ مظاهر حیات اجتماعی، به غایتی یکتا برسند و معتقدان به این غایت را گرد هم آورد (برگر، ۱۳۷۵، ص ۶۷).

مفهوم و صور سکولار شدن

سکولار شدن فرآیندی است که طی آن، موقعیت و اهمیت دین، نزد فرد و آنگاه در عرصهٔ اجتماع تنزل می‌یابد و برداشت‌های صرفاً دنیوی از تعالیم و غایات دینی غالب می‌گردد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۵، ص ۳۳). سکولار شدن فرآیندی است که در سه سطح فردی، اجتماعی و خود دین به وقوع می‌پیوندد؛ اما باید توجه داشت که سکولار شدن افراد، که در این تحقیق هدف بررسی هستند، لزوماً با سکولار شدن جامعه همراه نمی‌شود؛ یعنی ممکن است با وجود سکولار شدن افراد، جامعه سکولار شود یا سکولار نشود. اگر جامعه سکولار نشود، از سوی حاملان، نهادها و سازمان‌های دینی ممکن است مقاومت‌هایی صورت گیرد که سبب پیش آمدن برخی تعارضات و کشمکش‌های اجتماعی می‌گردد.

شایان توجه است که در ادیان اشتهالی (برای توضیح ادیان اشتهالی، ر.ک: شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۳۸) نظیر اسلام، به علت داشتن اهتمامات دنیوی و عدم تجزیهٔ میان عرصه‌های فردی و اجتماعی دینداری، تأثیرات سکولار شدن در هر سطحی بلافاصله به

سطوح دیگر منتقل می‌گردد. لذا سطوح مختلف فرآیندهای سکولار شدن در این قبیل ادیان، در یک راستا بوده، با اندک فاصله‌ای پشت هم قرار می‌گیرند. به همین رو، بدون نادیده گرفتن دین یا تجدید نظرهای اساسی در آموزه‌های آن (سکولار شدن دین)، نمی‌توان حیات اجتماعی دینداران را به الگوهای مغایر نظیر مدرنیته سپرد (سکولار شدن جامعه) و یا در بسترهای مغایر و مزاحم، نمی‌توان انتظار دینداری مجدانه و کاملی از مؤمنان به این قبیل ادیان داشت (سکولار شدن فرد).

در روندی معکوس نیز مشاهده شده است که بازگشت به دین و پالایش آن از زنگارهای تحریف (سکولارزدایی از دین)، انگیزه‌های دینی در ایجاد زندگی مؤمنانه را تقویت کرده، تلاش دینداران در دو مسیر موازی برای «خودسازی» (دینی شدن فرد) و «جامعه‌سازی» (دینی شدن جامعه) را افزایش داده است. سکولار شدن در عام‌ترین معنا، فرآیندی است که طی آن، نقش و اهمیت دین در اجتماع و نزد فرد افول پیدا می‌کند و دین را نیز دستخوش تجدید نظرهای معرفتی - ارزشی می‌سازد.

سکولار شدن فرد

سکولار شدن فرد (سکولار شدن ملایم) به معنای انفکاک توجه فرد از عوامل فراطبیعی و جلب توجه به ضرورت‌های زندگی دنیوی و مسائل آن و به عبارت دیگر، سازگاری فرد با این جهان است، جهانی که در تلقی فرد سکولار فاقد تقدس است و نیروی‌های ماورای طبیعی در آن نقشی ندارند. به عبارت رساتر، سکولار شدن فرد با تغییر جهان‌بینی از الهی به مادی، دگرگون شدن تصور و تلقی وی از خدا و نقش او در اداره جهان و به طور کلی کاهش مراجعه به ماوراءالطبیعه برای فهم معرفتی جهان تعریف شده است. شاخص‌های عمده سکولار شدن فرد، هم در سطح اعتقادات و هم در سطح مراسم و مناسک دینی، مثل حضور در مراسم دعا، تبعیت از دستورات و احکام مرجع تقلید و حاملان دین در زمینه رفتار فردی (کنترل موالید، ازدواج، غریزه جنسی و...) قابل بررسی است. میزان سکولار شدن فرد، با توجه به تنوع افراد به عنوان پیروان دین و به منزله مصرف‌کنندگان آن دین، تغییر می‌کند.

سکولار شدن جامعه

سکولار شدن جامعه (سکولار شدن خشن)، عبارت است از بی‌اعتبار شدن نمادها، آموزه‌ها و نهادهای دینی در جامعه و به طور رساتر «تغییر جایگاه نهادی دین». به عبارت وبری،

جامعه سکولار مبتنی بر عقلانیت است نه دین. سکولار شدن جامعه، فرآیندی است که طی آن، موقعیت و اهمیت دین در عرصه اجتماع تنزل می‌یابد و برداشت‌های صرفاً دنیوی از تعالیم و غایات دینی، گاهی منجر به شکل‌گیری نهادهای جدید می‌گردد.

شایان ذکر است که سکولار شدن در سطح اجتماع و جامعه، با سکولار شدن در سطح تفکر فردی ارتباط ندارد. برخی نهادهای دینی، قدرت و نفوذ خود را در بسیاری از جوامع از دست داده‌اند؛ اما عقاید و رویه‌های دینی کهنه و نو همچنان در زندگی افراد تأثیرگذارند. این عقاید، گاهی به شکل‌گیری نهادهای جدید منجر می‌شوند و گاهی نیز انفجار بزرگ احساسات دینی را به دنبال دارند (برگر، ۱۳۸۰، ص ۱۹).

سکولار شدن دین

دین همیشه مستعد پذیرش نفوذهای شدید دنیوی بوده است و این نفوذهای حتی نظریات انحصاراً دینی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. سکولار شدن دین به معنای زیر به کار رفته است:

۱. **جهانی شدن محتوای دین:** سکولار شدن دین، گاهی به معنای توجه به نیازها و مسائل انسانی در سطح جهان و سازگار کردن محتوای دین با آن نیازهای عام انسانی است (مثل مسائل مربوط به حقوق بشر، مسائل زنان و مشارکت در سیاست‌های جهانی).

۲. **حذف بخشی یا همه عناصر ماورای طبیعی دین:** سکولار شدن دین، گاهی به معنای حذف بخشی یا همه عناصر ماورای طبیعی دین از دین سنتی (مثل پروتستانتیسم و یهودیت لیبرال) است. گاهی نیز بدین معنا است که از عناصر ماورای طبیعی تأکیدزدایی می‌گردد و یا به کنار و حاشیه رانده می‌شود.

۳. **عقب‌نشینی دین:** عقب‌نشینی دین به قلمرو خاص خودش، منحصر شدن به زندگی خصوصی فردی، درونی شدن دین و عدم تسلط بر جنبه‌های اجتماعی زندگی نیز به معنای سکولار شدن دین تلقی می‌شود. اگر دین بتواند مناسبات خود را در حیات خصوصی بهتر نشان دهد، بنابراین آسان‌تر می‌تواند برای خود، پیرو بیابد تا اینکه مناسبات خود را در حیات اجتماعی نشان دهد که در این صورت، کاربرد آن در سطح وسیع نهادهای اجتماعی، مفیدتر نخواهد بود. در نتیجه، نهادهای دینی، خود را با نیازهای اخلاقی و آرامش‌بخش حیات خصوصی فرد تطبیق می‌دهند و این موضوع از خلال امتیازاتی که فعالیت‌های نهادهای دینی عصر حاضر برای مسائل خصوصی قائل هستند، به وضوح احساس می‌شود.

منظور از امور خصوصی، همانا تأکید بر خانواده و اطرافیان و نیز نیازهای روحی و روانی حیات فردی انسان است. در پیوند با این موارد است که دین جایگاه و مناسبات خود را همچنان حتی در اقشار بسیار سکولار شده نیز باز می‌یابد (برگر، ۱۳۷۵، ص ۷۳). حال آنکه کاربرد دین در امور سیاسی و اقتصادی، بیش از پیش مناسبات خود را در همان اقشار از دست می‌دهد. به همین دلیل می‌توان درک کرد که چرا حوزه‌های علمیه، امروز تأثیر ناچیزی بر دیدگاه‌های سیاسی افراد، از جمله اعضای خود (طلاب) دارند. حال آنکه همین حوزه‌ها در عرصه نفوذ به قلمرو حیات خصوصی موفق بوده، مورد تکریم و احترام مردم واقع شده‌اند. به‌طور خلاصه، دین در صورتی سکولار می‌شود که تعالیم، باورها و سازمان‌های دینی تحت ارزش‌هایی عرضه شود که با جامعه و فرد سکولار شده سازگار باشد.

چارچوب‌های نظری

طبق نظریه کارکردگرایی، سکولار شدن کارکرد بازآفرینی نظم و تعادل از دست رفته در زمان کثرت‌گرایی است. بنابراین نظریه، سکولار شدن نتیجه اجتناب‌ناپذیر کثرت‌گرایی بر روی صفحه شطرنج جامعه و اجتماع است. دورکیم از معتقدان به این نظریه، از تغییر صورت‌های دینی و ظهور دینداری‌های جدید دفاع کرد. در باور دورکیم فرآیند سکولار شدن، تنها بر تغییر و انتقال صورت‌های دینی و ظهور آیین‌های جدید و گونه‌های دیگری از دینداری منتهی خواهد شد. به نظر او صورت و نوعیت دین با شرایط و مقتضیات اجتماعی، در هر دوره انطباق کامل دارد. او می‌گوید که جامعه به مثابه دین یا به مثابه زایشگاه دین، توانایی و قابلیت آن را دارد که دین متناسب با وضع و حال خویش را در هر مقطع زمانی پدید آورد. لذا بر اساس این دیدگاه، سکولار شدن، نه به محو دین و نه حتی به فروگاهی آن، بلکه به تغییر صورت‌ها و پدید آوردن گونه‌های متفاوت دینداری منتهی خواهد گردید (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۷۷). همیلتون نیز معتقد است که کثرت‌گرایی در بلندمدت، نه تنها دین، بلکه عرف را تقویت می‌کند. در این موقعیت، که فرد می‌تواند از میان تفسیرها و سازمان‌های مذهبی متنوع و رقیب، یک قرائت و سازمان دینی خاص را برای خود برگزیند، خواه‌ناخواه به کاهش اهمیت و از دست رفتن اقتدار دین در جامعه کمک می‌شود.

دومین نظریه، از آن وبری‌ها است. برای وبر و طرفداران نگرش تفهیمی، تبیین یک پدیده اجتماعی اساساً مبتنی است بر فهمیدن معنایی که افراد برای کنش‌هایشان قائل هستند. این

معنا را باید در وجدان اشخاص جستجو کرد و آن امری درونی است. برای کشف آن باید از مجاری عقاید فردی عبور کرد و در آنجا اصول و ارزش‌هایی که رفتارها را هدایت می‌کند، جستجو نمود. کنش‌های انسانی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، با قصد و نیت همراهند و مجموعه تصورات ذهنی آن را هدایت می‌کنند و فهم آنها بیرون از این تصورات ذهنی مقدور نیست. در تبیین کنش انسانی، عوامل بی‌شماری دخیل هستند؛ از جمله: داشتن نوعی جهان‌بینی درباره دنیا، جامعه و زندگی، امید بستن به منفعتی، احساس زیان یا خطری محتمل، سبک و سنگین کردن داوهای یک مبارزه و داشتن تصویری از نحوه رفتار دیگران.

از نظر آنان، کلید فهم سکولار شدن را باید در فرآیند رشد عقلانیت بشر جدید، که از دو طریق بر نقش دین در جامعه اثر گذارده است، جستجو کرد. نخست تأثیراتی که بر روی باور دینی دینداران، که موجب افسون‌زدایی از دین گردید و دوم ایجاد تحولاتی در ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه، که جلوه‌هایی از آن، تحت عنوان صنعتی شدن، شهری شدن و... شناخته شده است. لخنر در معنایی گسترده، عقلانی شدن را موجب کثرت‌گرایی فرهنگی، تمایزبایی ساختی و تخصصی شدن سازمانی دانسته است و ارتباط آن را با سکولار شدن، چنان قرین و وثیق دیده است که می‌گوید: چون جوامع غربی بیش از دیگران تحت تأثیر فرآیندهای عقلانی شدن بوده‌اند، لذا بیش از دیگران سکولار شده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۲۳۴).

سومین نظریه در تبیین رابطه کثرت‌گرایی دین و سکولار شدن، دیدگاه ستیز را پیش می‌کشد. طبق این دیدگاه، گسترش قرائات جدید سبب رودررویی با قرائت سنتی می‌شود که سرانجام به سکولار شدن می‌انجامد. به نظر فن، آن صورتی از دینداری با جامعه نوین، بیشترین سازگاری را دارد که پهنه محدودتری را به امور مقدس اختصاص دهد و اصرار کمتری بر تلفیق ارزش‌های شخصی و گروهی داشته باشد. او معتقد است که دین اسرارآمیز و خصوصی، بهترین بازنمای فرهنگ دینی متلائم با جهان سکولار شده است. این نوع دینداری را می‌توان بدون تعارض با نقش‌ها و وظایف شغلی روزمره به کار بست (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

چهارمین نظریه را می‌توان نظریه رقابت دانست. تجددگرایی می‌تواند جوامع ناهمگون را به یکدیگر پیوند داده، ارتباطات فرهنگی میان این جوامع را ارتقا دهد. این دو عامل، یعنی گرد آمدن جوامع ناهمگون و ارتقای سطح ارتباطات فرهنگی، علاقه‌مندی به کثرت‌گرایی را تقویت می‌کند و با ایجاد انحصارطلبی‌های دینی سازگاری ندارد (برگر،

۱۳۸۰، ص ۲۰). به عبارت دیگر، با گسترش وسایل ارتباطات جمعی و تند و تیز شدن شتاب فرآیند جهانی شدن، فرهنگ‌ها و باورهای دینی جوامع، امکان حضور در فرهنگ‌ها و سایر جوامع را یافته‌اند که با وضعیت انحصارگرایی فرهنگی و دینی آن جوامع، در دوران سنت متفاوت است.

در وضعیت جدید، تنوع‌طلبی و کنجکاوی انسان‌ها آنان را متوجه و جذب فرهنگ‌ها و آیین‌های دیگر کرده است و سبب ایجاد میدانی برای رقابت ایشان شده است. در این فضای رقابتی، جذب و جلب پیروان، بر اساس بازار رقابتی و وجود کالاهای متنوع عرضه شده و استفاده از سازوکارهای حذف رقبا صورت می‌گیرد. سکولار شدن در این وضعیت، پیامد همسان شدن دین با انتظارات دنیایی پیروان است. تنزل دین از ایده‌آل‌های اعتقادی، رفتاری، اخلاقی و مناسکی، ممکن شدن انتخاب و گزینش از سوی مخاطبان و تغییرات ساختاری و هماهنگ شدن ساختاری جامعه با وضعیت رقابتی، تنزل دین از موقعیت فرانهادی و تبدیل شدن به نهادی کنار نهادهای دیگر، سبب سکولار شدن شده است. به عبارت دیگر، محصول این فرآیند، یعنی تغییر نگرش افراد به دین، قبض و بسط دین و انعطاف‌پذیر شدن آن مطابق شرایط جدید و تغییر ساختاری جامعه، حذف گروه‌های دینی سنتی و شکل‌گیری گروه‌های دینی جدید، فعالیت سازمان‌های دینی موازی و رقیب و... همگی سبب سکولار شدن می‌گردد که نتیجه آن، عبارت است از: تغییر ماهیت ادیان سنتی و تاریخی، تغییر و افزایش انتظارات مخاطبان از دین، پیروی از ادیان دنیایی‌تر و تغییر ساختاری جامعه به سبب پذیرش قواعد و سازوکارهایی که متقاضی مشارکت همه‌جانبه در چنین بازاری است.

طبق نظریه رقابت، در جامعه‌ای که کثرت‌گرایی وجود دارد، همه ادیانی که در گذشته انحصارگرا بودند، دیگر نمی‌توانند از افراد جامعه وفاداری محض طلب کنند. تبعیت از دین، امری داوطلبانه است و بدین ترتیب، امری مسلم به حساب نمی‌آید. در نتیجه، سنت دینی، که در قبل به‌طور آمرانه تحمیل می‌گردید، اکنون مجبور است برای خود پیروانی پیدا کند. به عبارت دیگر باید به کسانی عرضه شود که دیگر به نحو ناگزیر متقاضی آن نیستند. طبیعی است که چنین وضعیتی نتایج مهمی برای ساختار اجتماعی گروه‌های مختلف دینی به بار می‌آورد. نتیجه این وضعیت، تبدیل گروه‌های دینی از حالت انحصارگرایی به شرکت در رقابت برای افزایش پیروان است.

در گذشته، پیروان ادیان (در حالت انحصارگرایی) و نهادهای دینی، متناسب با یک نهاد خاص، سازمان می‌گرفتند که به‌طور انحصاری بر جامعه نظارت داشت. در حالی که اکنون

گروه‌های دینی باید به‌گونه‌ای سازماندهی شوند که بتوانند انسان‌های بیشتری را به خود جذب و جلب کنند و با ادیان دیگر، که همان اهداف دینی را تعقیب می‌کنند، به رقابت برخیزند. بدیهی است در چنین حالتی، اهداف اهمیت پیدا می‌کنند. در وضعیت انحصارگرایی، ساختارهای اجتماع دینی، هیچ‌گونه فشاری را برای رسیدن به اهداف و کارکردها احساس نمی‌کردند؛ زیرا وضعیت به‌خودی‌خود، اهداف و کارکردها را از قبل مشخص می‌کند (برگر، ۱۳۷۵، ص ۶۹).

بنابراین، سکولار شدن در وضعیت کثرت ادیان و در اثر رقابت میان آنها، سرنوشت محتومی برای ادیان و جوامع دینی است؛ زیرا تن دادن به قواعد رقابت برای بقا و سبقت گرفتن از رقبا، موجب افول جوهر معنوی - اخلاقی دین می‌گردد و عدم ورود به میدان یا عدم توسل به سازوکار و ابزارهای مناسب آن، موجب از دست دادن مخاطبان و کاهش پیروان می‌گردد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۵، ص ۳۷-۳۸).

سرانجام می‌توان به نظریه ساخت‌گرایی اشاره کرد. آلفرد شوٲس جامعه‌شناس با الهام از آرای ادموند هوسرل، فیلسوف پدیدارشناس، جامعه‌شناسی پدیداری را بسط و گسترش داد. این رویکرد، در کتاب معروف ساخت اجتماعی واقعیت، از پیتر برگر و توماس لاکمن با آرای هربرت مید، وبر، دورکیم و مارکس ترکیب شده و آنچه رویکرد «سازه‌گرایی» اجتماعی نامیده می‌شود، ساخته و پرداخته شد. پس از آن، این رویکرد توسط برگر در کتاب سایبان مقدس درباره دین و توسط برگر و دیگران در کتاب ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی درباره فرآیند توسعه و نوسازی در کشورهای در حال توسعه بسط یافته است. همین رویکرد است که بنیان نظری این مقاله را شکل می‌دهد.

در این رویکرد، به جامعه به مثابه دیالکتیکی میان واقعیت‌های عینی و معانی ذهنی نگریسته می‌شود؛ یعنی تعاملی دوسویه میان آنچه به عنوان واقعیتی بیرونی تجربه می‌شود (به‌طور مشخص، نهادهایی که فرد با آنها مواجه می‌شود) و آنچه به عنوان آگاهی درونی فرد به فهم درمی‌آید. این رویکرد، به تبعیت از جامعه‌شناسی آلفرد شوٲس و فلسفه ادموند هوسرل، آگاهی را مفهوم مرکزی خود قرار داده است و واقعیت تام اجتماعی را دارای مؤلفه اساسی آگاهی می‌داند و وظیفه جامعه‌شناسی معرفت را ربط دادن ساخت‌های آگاهی به نهادها و فرآیندهای نهاد دین می‌داند.

به زعم برگر و لاکمن، در هر جامعه‌ای لازم است فرآیندهایی وجود داشته باشد که بتوانند به معانی، که قبلاً درون نهاد‌های مختلف جامعه به وجود آمده‌اند، در نظمی وسیع‌تر

وحدت بخشند و آن معانی را یگانه کنند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹). آنان این فرآیند را «توجیه‌گری» می‌نامند. توجیه‌گری می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد، از ساختار زبانی و واژگانی که در هر حوزه نهادی در جامعه شکل می‌گیرد تا ضرب‌المثل‌ها، پندهای اخلاقی و نظریه‌های صریحی که توسط صاحب‌نظران هر جامعه‌ای ارائه می‌شود. اما قلمروهای نمادی کلانتری سطح توجیه‌گری در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. این قلمروها مجموعه‌هایی از سنت‌های نظری هستند که حوزه‌های مختلف معنا را با هم یگانه می‌کنند و نظام نهادی جامعه را در کلیتی نمادی در بر می‌گیرند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴).

در جوامع سنتی، دین این نقش را عهده‌دار بود؛ یعنی دین ساینی از نمادها را به منظور یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه و تجربیات مختلف افراد گسترانیده بود. به بیان دیگر، دین در این جوامع، به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری عمل می‌کرد که نظم طبیعی و اجتماعی موجود را به نظمی کیهانی و مقدس مرتبط و از این طریق، احساس «بودن در کاشانه» را در جهان هستی برای انسان فراهم می‌کرد (برگر و لاکمن، ۱۳۸۱، ص ۸۷). در این جوامع، معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه، سرانجام از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت، که زندگی انسان را به نظام هستی ربط می‌داد، یکپارچه می‌شد. بنابراین، همه فرآیندهای نهادی در جامعه و همه تجربیات افراد نمادها و باورهای دینی را تأیید می‌کردند؛ یعنی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه، نهاد دین منزلت بالایی داشت و قوانین و قواعد دینی جاری و ساری بودند. همچنین کنش‌های روزمره مردم، مستقیم و غیر مستقیم نمادها و تعاریف دینی را تأیید می‌کردند و اگر هم افرادی بودند که در این تعاریف و نمادها تردید روا می‌داشتند، معمولاً در حاشیه جامعه قرار می‌گرفتند و کمتر موفق می‌شدند توده‌های مردم را تحت تأثیر خود قرار دهند.

اما با تقسیم کار گسترده در جوامع جدید و تخصصی شدن امور (دورکیم، ۱۳۸۱) و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، زیست‌جهان‌های متکثری در جامعه شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، جامعه با متکثر شدن زیست‌جهان‌ها مواجه می‌شود و وظیفه قدیمی دین، تهدید جدی می‌شود (برگر، ۱۳۸۱، ص ۷۳). از این پس، بخش‌های مختلف جامعه و به تبع آن، تجربیات گوناگون افراد، تحت اداره نظام‌های معنایی متفاوت و بعضاً متضادی درمی‌آیند و دین از جای دادن این نظام‌های معنایی در درون کلیت نمادین فراگیر، که خود، ساخته و پرداخته است، باز می‌ماند. افزون بر این، حتی مقبولیت معانی و باورهای دینی در درون آگاهی فرد نیز مورد تردید قرار می‌گیرد. همزمان با اینکه بخش‌های مختلف

جامعه، تحت سیطرهٔ زیست‌جهان‌های متکثر درمی‌آیند، فرد نیز در زندگی روزمرهٔ خود، پیوسته با دیگرانی روبه‌رو می‌شود که در زیست‌جهان‌های دیگر به سر می‌برند و لذا لزوماً نمادها و تعاریف دینی او را تأیید نمی‌کنند و حتی گاهی آنها را انکار می‌کنند.

برگر در دورهٔ اول نظری خود، یعنی در کتاب سایان مقدس، این فرآیند را فرآیندی می‌داند که سرانجام به نابودی دین در جهان مدرن می‌انجامد. هر چند وی شواهد و استدلال‌های خود را دربارهٔ دین مسیحیت ارائه می‌کرد، اما تلویحاً سرنوشت همهٔ ادیان را در جامعهٔ مدرن، همان سرنوشت دین مسیحیت می‌داند (برگر، ۱۹۶۷، ص ۱۰۵-۱۷۱). این نظریه، در دهه‌های بعد مورد تجدید نظر خود وی قرار گرفت (برگر، ۱۳۸۰). وی ایدهٔ اساسی سکولار شدن، که ریشه در عصر روشنگری داشت، یعنی همبستگی فرآیند مدرن‌سازی و فرآیند سکولار شدن و برگشت‌ناپذیر بودن این فرآیند را مورد تردید قرار داد (برگر، ۱۳۸۰، ص ۱۸). او در این دورهٔ نظری خود، استدلال می‌کند که در دنیای جدید، دین به همان اندازهٔ گذشته و شاید پویاتر و پرحرارت‌تر به حیات خود ادامه می‌دهد (همان، ص ۱۸).

به زعم وی نه کشورهایایی که دین در آنها به صورت زنده و پویا حیات دارد، بلکه اروپای غربی که فرآیند سکولار شدن در آن، یک روند غالب است، یک استثنا در دنیای امروز است (همان، ص ۲۵)؛ اما وی همچنان ویژگی متکثر وضعیت مدرن را مسئله‌ای جدی برای دین می‌داند (وودید، ۲۰۰۱، ص ۲). این وضعیت به نابودی دین نمی‌انجامد؛ اما به ظهور آنچه وی آن را «بازار دین» می‌نامد، منجر می‌شود. به بیان خود برگر، تکثرگرایی بر چگونگی باور دینی اثر دارد، اما نه لزوماً بر چیستی آن (برگر، ۲۰۰۱، ص ۱۹۴). در این وضعیت تکثر انواع تفاسیر از دین و انواع دینداری (سبک‌های دینداری) در عرصهٔ عمومی ظهور خواهند یافت که در این میان، تفسیر سنتی از دین و سبک سنتی دینداری یکی از تفسیرهای با نفوذ خواهد بود (برگر، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳).

اما در ایران از آن جا که هنوز نهادهای مدرن کاملاً تثبیت نشده‌اند و فرآیند تقسیم کار اجتماعی و تخصصی شدن امور، هنوز به صورت کامل طی نشده است، نمی‌توان گفت که جامعهٔ ما با پدیدهٔ تکثرگرایی زیست‌جهان‌های اجتماعی به‌طور کامل روبه‌رو است و دین از عرصهٔ عمومی رخت بریسته، کاملاً خصوصی شده است؛ اما می‌توان انتظار داشت که جامعهٔ ایران تا حدی با این پدیده روبه‌رو شده باشد و جوانه‌هایی از این پدیده به وجود آمده باشد؛ یعنی به‌ویژه در بخشی از افراد جامعه که با نهادهای مدرن بیشتر ارتباط دارند،

از جمله، دانشجویان و اساتید دانشگاه، باورهای دینی تا حدی خصلت قطعی خود را از دست داده باشند و به موضوعاتی انتخابی بدل شده باشند. به بیان دیگر، عنصر ترجیح و گزینش‌گری در حوزه دینداری آنان وارد شده باشد.

چارچوب نظری تحقیق

در بخش قبل، به‌طور نظری روش‌هایی برای سکولار شدن افراد از مسیر کثرت‌گرایی بیان شد. از آنجا که کثرت‌گرایی را به صورت اجتماعی و معرفتی تعریف کردیم، بررسی سازوکار و راه‌های سکولار شدن جامعه از مسیر کثرت‌گرایی نیز در دو بخش مجزا، اما مرتبط با هم قابل بررسی است. بنابراین، آنچه در این بخش، مورد نظر است، بیان این روش‌های نظری است، تا پس از آن بتوان طرح و الگوی تحلیلی دقیقی برای به‌آزمون کشیدن و سنجش آنها ارائه داد.

۱. کثرت‌گرایی اجتماعی

متغیر چنددینی بودن جامعه یا تک‌دینی بودن آن، عامل بسیار مهمی در بروز و چگونگی جریان‌یابی فرآیند سکولار شدن به‌شمار می‌آید. اگر به نیروها، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی نهفته در پشت ایجاد چنین کثرت‌گرایی توجه کنیم، به رشته پیوند عمیق کثرت‌گرایی اجتماعی و سکولار شدن پی خواهیم برد. وجود کثرت‌گرایی اجتماعی، در یک جامعه، عموماً از یکی از راه‌های زیر به سکولار شدن مدد می‌رساند:

۱-۱. ایجاد افتراق و تجزی میان دستگاه‌ها و نهادهای دینی و متعدد ساختن مراجع دینی، که باعث کاستن از اطلاق و شدت اوامر و نواهی دینی می‌گردد (ر.ک: شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷-۲۷۹). از ویژگی‌های دین در جامعه کثرت‌گرا این است که حفظ سنت‌های دینی به عنوان واقعیتهای تغییرناپذیر، بیش از پیش سخت می‌شود؛ زیرا عناصر پویا از خلال اولویت‌های پیروان دین به درون حیطه دینی نفوذ می‌کنند. به عبارت دیگر، در وضعیت چند دینی بودن و به دنبال آن، متکثر بودن نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های دینی در یک جامعه، یک عنصر پویا و یک اصل تغییرپذیر، یا به عرصه اجتماع گذاشته است، اصلی که به‌طور ذاتی با دین سنتی مغایر است. بدین ترتیب، در شرایط کثرت دین در جامعه، محتوای دینی به پدیده باب روز تبدیل می‌شود. البته این امر، ذاتاً به معنای آن نیست که سنت‌های دینی به سرعت تغییر می‌کنند و یا اصول تغییرناپذیر الهیات و علم کلام، در برابر

تغییر و تحول تسلیم می‌شوند؛ اما در هر حال، ایجاد تغییر در وضعیت ادیان، در جامعه چنددینی امکان دارد.

بدین ترتیب، طولی نخواهد کشید که در فرصتی مناسب، این امکان تغییر تحقق یافته، در نهایت از نظر استدلال‌های نظری الهیات‌شناسانه حالت مشروعیت به خود می‌گیرد. بدیهی است پذیرش این امر، برای برخی از ادیان و گروه‌های دینی، در مقایسه با دیگر ادیان و گروه‌ها آسان‌تر است (مثلاً برای پروتستان‌ها آسان‌تر است تا برای کاتولیک‌ها)؛ اما ناگفته نماند که هیچ دین و گروهی قادر نخواهد بود خود را از نتایج این تغییر به‌طور کامل مصون بدارد (برگر، ۱۳۷۵، ص ۷۲).

۲-۱. روا داشتن روح تساهل و مدارا در حق پیروان سایر ادیان و قبول نوعی تسامح و تنزل در باب عقاید و شرایع دین خویش و کنار گذاشتن داعیه‌های ایدئولوژی‌مآب از دین، به منظور فراهم آوردن بستری مساعد برای همزیستی و تفاهم در میان آحاد جامعه، صرف نظر از هر گونه تعلق و دلبستگی دینی، دلیل دیگر برای سکولار شدن چنین جوامعی است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳). با رواج نوعی تساهل و مدارای دینی، از روی کار آمدن یک مدیریت و نظام سکولار در اداره جامعه، به عنوان تنها راه‌حل سامان‌بخش و خاتمه‌دهنده منازعات حمایت می‌گردد.

رواج تساهل و مدارا در جامعه، به سکولار شدن افراد و نهادهای جامعه، به دلیل دست‌شستن از آرمان تشکیل حکومت دینی، تغییر ملاک‌های همبستگی و جابه‌جایی در مرزبندی‌های گروهی می‌انجامد. در واقع، مهم‌ترین اثر این فرآیند در حوزه دین با تجددگرایی و بازخوانی مجدد آموزه‌های دینی و در نگرش‌ها و تمایلات فردی از طریق رشد عقلانیت و تقویت تمایلات فایده‌جویانه نمایان می‌گردد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳). به عبارت دیگر یک توافق ضمنی بر سر تشکیل یک حکومت سکولار غیر ملتزم و غیر وابسته به هیچ‌یک از ادیان جاری در آن جامعه به وجود می‌آید. پس از پشت سر گذاشتن یک دوره طولانی از منازعات حاد دینی، برای به دست گرفتن انحصاری قدرت و اعمال تعصبات سخت در حق پیروان ادیان رقیب، این امر محقق می‌گردد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۳۲۸).

۳-۱. فرض متغیر چنددینی بودن جامعه، به عنوان عاملی مؤثر در تقویت و تشدید فرآیند سکولار شدن، از آن‌رو است که با متنوع شدن جهان‌بینی‌های منبعث از ادیان مختلف در یک جامعه، منابع مشروعیت و نظام ارزشی حاکم نیز چندپاره و متعدد می‌گردد.

برگر در این باره می‌گوید: شرایط کثرت، مقبولیت و اعتبار خدشه‌ناپذیر همه ادیان را تحلیل می‌برد و جهان‌بینی‌های رقیب را نسبی می‌سازد و ادیان را از موقعیت‌های پایدار گذشته‌شان پایین می‌کشد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۳۲۷-۳۲۸). به عبارت دیگر، دلایل بسیاری وجود دارد که کثرت‌گرایی اجتماعی بسیاری از قطعیات سنتی موجود در جامعه را دچار تزلزل می‌کند. عدم قطعیت و نسبیت، وضعیتی است که تحمل آن برای بسیاری از مردم مشکل است. لذا هر حرکتی که مبشر تجدید قطعیات گذشته و سنتی و یا ارائه قطعیات جدید باشد، از بازار خوبی برخوردار است (برگر، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

۴-۱. یکی از ویژگی‌های کثرت‌گرایی اجتماعی، این است که سبب شکل‌گیری یک الهیات ناظر به ادیان در پاره‌ای از جوامع چند دینی مثل جامعه آمریکا می‌گردد. با توجه به پدیده جهانی شدن، به خصوص جهانی شدن فرهنگ، محتوای دین نیز در روند جهانی شدن، تعدیل یافته، گرایشی جهانی و سکولار پیدا کرده است. جهانی شدن از طریق به هم مرتبط و نزدیک ساختن جوامع و فرهنگ‌ها سبب جهانی شدن دین و سخت شدن بازار رقابت در پیروی دینی می‌گردد. این روند، با طرح وحدت متعالی ادیان از سوی سنت‌گرایان معاصر و به رسمیت شناخته شدن گفتگوی ادیان از سوی حاملان و پیروان ادیان به وجود آمده است که طی آن، ادیان به سوی سازگاری بیشتر با یکدیگر حرکت می‌کنند.

۵-۱. از جمله ویژگی‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی کثرت‌گرایی اجتماعی، این است که دین در چنین جوامعی، دیگر جنبه تحمیلی ندارد و در مقابل باید برای آن تبلیغ کرد. بدیهی است که عرضه دین، به آن دسته از انسان‌هایی که هیچ‌گونه نیازی به استفاده از دین ندارند، بدون در نظر گرفتن علایق آنان به آن دین، امری غیر ممکن است (برگر، ۱۳۷۵، ص ۷۱).

۶-۱. سرانجام اینکه فرآیند سکولار شدن در جوامعی که هیچ‌یک از ادیان رایج در آن، از اکثریت قاطع و حکم‌کننده‌ای برخوردار نیست، کمتر با مانع مقاومتی برخورد می‌کند. از این رو می‌توان ادعا کرد که در وضعیت کثرت نهادهای مختلف دینی و ادیان مختلف، دولت به سوی سکولار شدن و تفوق یافتن بر نهادها و سازمان‌های دینی حرکت می‌کند (ر.ک: شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷-۲۷۹).

شایان ذکر است که کثرت نهادی و اجتماعی، سبب شکل‌گیری کثرت باورهای دینی در جامعه می‌گردد؛ زیرا پیروان هر دینی در جوامع به لحاظ نهادی‌های دینی متکثر، پیروان ادیان دیگر را ناخواسته به سمت برداشت‌های جدید، از جمله برداشت دنیایی از تعالیم و آموزه‌های دین خویش وادار می‌کنند. پیروان ادیان نیز به این برداشت‌ها از خود تمایل نشان

می‌دهند؛ زیرا متوقف ماندن در تلقی سنتی، دنیاگریز و آخرت‌گرایانه از دین، موقعیت اجتماعی پیروان این دین را به نفع جمعیت‌های دینی رقیب، تضعیف می‌کند.

۲. کثرت‌گرایی معرفتی

قبل از پرداختن به روش‌های تأثیر کثرت معرفتی بر سکولار شدن، شایسته است به علل و عوامل وجود کثرت معرفتی در جوامع اشاره‌ای گردد. یکی از اصلی‌ترین نظریه‌های موجود در این زمینه، کثرت معرفتی را معلول رهایی جامعه دینی از انحطاط و عقب‌ماندگی تلقی می‌کند. در باب علل و عوامل انحطاط جوامع دینی، این نظریه بیان شده است که معرفت سنتی از دین، عامل انحطاط جامعه است. طبق این نظریه، برای خروج از بن‌بست انحطاط باید بر تلاش‌های نظری در باب ارائه معرفت‌های جدید از دین متمرکز شد. این تلاش‌های نظری، در سه رویکرد عمده احیا، اصلاح و بدعت، که هر کدام روش و سازوکاری برای سکولار شدن جامعه و دین است و نسبت خاصی را با فرآیند سکولار شدن بر قرار می‌کند، قابل شناسایی است.

رویکردهای احیاگرایانه به دین، اساساً با هدف بازگشت به جوهر اصیل دین و آموزه‌های نخستین، تلاش می‌کنند تا پیرایه‌های تاریخی - فرهنگی و بدعت‌های نظری، معرفتی و اعتقادی را از دامان دین بزدايند و آن را به وضع خلوص اولیه و نیالوده هنگام صدور بازگردانند. این نوع معرفت‌های جدید دینی، برحسب اینکه دین نیالوده نخستین، در ابلاغ آغازی خود چه جوهر و سرشتی داشته است، می‌توانند مساعد و یا معارض با فرآیند سکولار شدن قلمداد گردند. اینکه حرکت‌های احیاگرایانه در جهان اسلام، نوعاً به سکولار شدن جامعه نینجامیده است، طبعاً ناشی از جوهر نامساعد اسلام در همراهی با این فرآیند است.

حرکت‌های اصلاح‌گرایانه، بر خلاف حرکت‌های احیاگرایانه، تلاشی هستند برای عصری کردن دین، همراه با اهتمام نسبی برای حفظ جوهر اصیل آن. اگر برای یک احیاگر دین، جوهر نخستین اصل است و بر پایه آن، وضع حال باید دگرگون شود، برای اصلاح‌گر، دین و برداشت دینی باید بر مناط عقل بالغ بشری، در معرض اصلاح و تغییر قرار گیرد تا پاسخگوی مقتضیات امروز مؤمنان باشد. به هر حال، در اثر عصری شدن دین، دو ساحت مهم دین در معرض سکولار شدن قرار می‌گیرد: یکی ساحت معرفت و باورهای دینی، که در اثر رشد معرفت‌های علمی زمانه متکثر می‌شود و دوم ساحت تعالیم و آموزه‌ها که با نظر به مقتضیات زمانی و مکانی و موضوعات مستحدثه، دچار تغییر و تعدیلات لازم در جهت تطابق با نیازها و مسائل جدید می‌گردد.

شایان توجه است که عصری‌سازی به عنوان تلاشی برای سازگار کردن دین با دنیای جدید و دائماً نوشونده، راه را به روی انواع قرائات متجددانه از دین می‌گشاید. قرائات زمان‌مند و کم‌دوام، که نطفه زوال خویش را در دل می‌پرورانند و آمادگی دارند تا با سر برآوردن برداشت‌ها و قرائت‌های هر دم جدیدتری از دین، در دوردست سنت‌ها غروب کنند. پیامد راه دادن به قرائت‌های مختلف از دین، با هدف سازگاری و همراهی با اوضاع متغیر، قبول و رواج نوعی کثرت در کشف از حقیقت دین است و نسبی‌گرایی در کاشفیت، به سرعت به حقیقت دین نیز سرایت می‌کند و در نهایت چیزی از آن باقی نمی‌گذارد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۲۲۶-۲۲۸).

روش و سازوکار تأثیر اصلاحات دینی، برای شکل‌گیری کثرت‌گرایی معرفتی دین، در تفسیرهای غیر سنتی، تردید در استدلال‌های عقلی، تمسک به اصول اخلاقی مدرن و تأکید بر ایمان شخصی نهفته است. ارائه تفسیرهای غیر سنتی از اعتقادات و گزاره‌های دینی، برای اینکه نجات و رستگاری را از راه‌های دیگری ممکن سازد و اینکه رستگاری از طریق ادیان دیگر نیز ممکن است، سبب کثرت‌گرایی معرفتی در باب دین می‌شود. تردید در استدلال‌های عقلی، برتری و ترجیح و انحصارگرایی دین نیز از راهکارهای کثرت‌گرایی معرفتی دین است. افزون بر این دو، تمسک به اصول اخلاقی مدرن، درباره تساهل و تسامح و رد تعصب دینی نیز بی‌تأثیر نیست. سرانجام، تأکید بر اصول مشترک در ایمان شخصی، به‌ویژه گرایش درونی به حق و امر نهایی و اعتقاد به اینکه اظهار بیرونی و عملی ایمان در قانون دینی، مراسم عبادی و آموزه‌های دینی، اهمیت فردی دارد (لگنهاوزن، ۱۳۷۶، ص ۱۰).

شایان توجه است که هر دو رویکرد احیایی و اصلاحی در مسیحیت، گام‌هایی بوده‌اند ناخواسته به سوی سکولار شدن دین و جامعه؛ رویکرد احیایی از طریق تعریف بیش از حد محدود و خالص از دین و در نتیجه، زیاد کردن فاصله دین از سایر نهادهای اجتماعی و جریان‌های اصلاحی از طریق عقلانی و عصری کردن آموزه‌های دینی و تقلیل ابعاد رازآمیز آن. البته این مطلب را نیز نباید فراموش کرد که جنبش‌های دینی در کشورهای مختلف، دارای ویژگی کثرت‌گرایانه هستند. این جنبش‌ها بیش از آنکه از انگیزه‌های دینی صرف نشأت گرفته باشند، اعتراض و مقاومت در برابر نخبگان سکولار را نشان می‌دهند (برگر، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

۱-۲. نیروی محرکه کثرت‌گرایی در جوامع مدرن، در تعقل‌گرایی نهفته است که از طریق مدرن شدن جامعه به‌طور عام و نهادهای سیاسی به‌طور خاص تحقق یافته است. اگر در چنین جوامعی، کثرت‌گرایی به تکافؤ ادله منتهی شود، بنا به نظر هیک، این راهکار مستلزم

رواج نسبت می‌شود. هر گونه انتخاب از میان قرائات متعدد موجود، روحیه نسبی‌گرایی را تقویت می‌کند و در نتیجه، مطلق‌گرایی تضعیف می‌شود. نسبت معرفت دینی، زمینه‌ساز نفوذهای دنیوی در تعالیم و آموزه‌های دینی است که احتمالاً در تعدیل محتوای دین عمل می‌کند. این نفوذهای دنیوی، در قرائات و معرفت‌های هر دینی یافت می‌شوند که به پیروان و خواسته‌های آنان اهمیت بیشتری می‌دهند. برگر معتقد است که بروز کثرت، اعم از آن که با آن متساهلانه یا سخت‌گیرانه رفتار شود، یکی از عوامل کلیدی در فرآیند سکولار شدن محسوب می‌شود. او نیز می‌گوید: وضعیت کثرت، جهان‌بینی‌های رقیب را نسبی می‌سازد و آنها را از موقعیت‌های مطلق و پایدارشان به زیر می‌آورد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۶۸).

بر اساس نسبت معرفت دینی، آنچه جنبه مطلق دارد، باید از درون آگاهی و ذهن فرد دور شود. بر طبق نظر هیک، در این وضعیت، هیچ معیاری برای رتبه‌بندی ادیان و ارزیابی و سنجش معرفت‌های دینی وجود ندارد و لذا همه ادیان در این امر، به حالت تساوی و تکافؤ می‌رسند (حسینی، ص ۲۲۴)؛ اما اگر به تکافؤ ادله نینجامد، به نظر پلانیتینگا سبب انحصارگرایی می‌شود.

۲-۲. یکی از اموری که به ترک سنت‌های دینی و بدعت‌ها می‌انجامد، نظریه تعدد قرائت‌ها است؛ زیرا نمی‌توان قرائت مشخصی از دین داشت و عملاً هیچ سنتی به جا نخواهد ماند تا به دین منسوب شود. بدین ترتیب، کم‌کم در همه عقاید و احکام دینی شک و تردید می‌آید و هر کس دلخواه خویش را به عنوان قرائت خود از دین مطرح می‌کند و زمینه برای بدعت‌گذاری در دین فراهم می‌شود. البته رویکردهای ابداعی و بدعت‌آمیز، که هیچ اصرار و التزامی به حفظ حرکت خود در چارچوب دین سنتی ندارند و بی‌محابا به ابطال و ابدال اصول و احکام دین برمی‌خیزند، طبعاً نزدیک‌ترین پیوند را با تمایلات سکولاری برقرار می‌سازند (ر.ک: شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۲۲۲ و ۲۲۸).

۳-۲. در تلقی سنتی از دین، دینداران دین را منحصر به اعتقاد و بعد معرفتی می‌دانند؛ اما اگر این تلقی از دین به وجود آید که دین را نه اعتقاد و ایمان، که صرف یک احساس و ذوق و سلیقه شخصی تفسیر کند (تلقی جمیز از دین)، دین را گامی در جهت سکولار شدن پیش رانده‌ایم؛ زیرا در نگرش فردگرایانه به دین، دین توان و نیرویی برای ساختن جهانی مملو از معانی مشترک در خدمت اعضای جامعه ندارد. از این رو، توان دین به ایجاد دنیا‌های فرعی منتهی می‌شود، دنیا‌هایی با معانی متفاوت و پراکنده که ساختار قابل قبول آن، در برخی موارد، از حدود و ثغور خانواده هسته‌ای فراتر نمی‌رود؛ اما در نگرش سنتی و

انحصارگرایانه به دین، دین جنبه جمعی دارد و می‌تواند به عنوان جهانی مملو از معانی مشترک، در خدمت اعضای جامعه باشد (برگر، ۱۳۷۵، ص ۶۷-۶۸).

۲-۴. پیامد دیگر این وضعیت متکثر برای حوزه معرفت دینی، خصوصی شدن آن است (برگر، ۱۳۸۰، ص ۸۷). وقتی فرد متوجه می‌شود که ابراز کردن عقاید و باورهایش مورد تأیید دیگران قرار نمی‌گیرد و حتی ممکن است موجبات تمسخر یا کشمکش با دیگران را فراهم کند (به عبارتی، ابراز باورها و عقایدش هزینه اجتماعی و روانی زیادی برایش دارد)، اولین واکنش وی این خواهد بود که عقاید و باورهایش را در عرصه عمومی و اجتماع بروز ندهد. با افزایش تعداد افرادی که چنین رویکردی را در پیش می‌گیرند، دین گام به گام از عرصه عمومی جامعه رخت برمی‌بندد؛ یعنی نه تنها نمادها و تعاریف دینی از واقعیت، در عرصه عمومی جامعه، کمتر مطرح می‌شوند، بلکه اساساً درباره آنها کمتر بحث می‌شود (چون احتمال اینکه درباره آنها توافقی حاصل شود، بسیار کم است و بنابراین، افراد ترجیح می‌دهند به موضوعاتی پردازند که احتمال همگرایی در آنها بیشتر است).

این وضعیت، به کاهش نفوذ دین در جامعه منجر می‌شود و در نهایت، دین تسلط خود را بر جامعه از دست می‌دهد و عرصه عمومی، تحت سیطره عقاید و ایدئولوژی‌های مدنی‌ای درمی‌آید که فاقد محتوای دینی‌اند یا غالباً اشاره‌ای مبهم به دین دارند. در این وضعیت، دین نه تنها دیگر قادر به یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه نیست، بلکه از یکپارچه کردن تجربیات افراد، به‌ویژه آن دسته از تجربیات افراد که در ارتباط با عرصه عمومی جامعه است، باز می‌ماند. با این حال، دین همچنان جایگاه مهم خود را در زندگی خصوصی افراد حفظ می‌کند؛ یعنی اولاً، دین همچنان نقش مشروعیت‌بخشی خود را برای نهادهای خصوصی جامعه، به‌ویژه نهاد خانواده حفظ می‌کند و ثانیاً، تجربیات افراد در حوزه‌های خصوصی را در نظمی معنادار و یکپارچه قرار می‌دهد؛ اما تعاریف دین از واقعیت، در نبود تأیید دائمی عمومی، خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و به موضوعاتی «انتخابی» بدل می‌شوند. با ورود عنصر «ترجیح» و «گزینش‌گری» در حوزه دین، در عرصه عمومی جامعه، تفاسیر مختلفی از دین ظهور می‌یابند و «بازار دین» و در سطح آگاهی ذهنی افراد، انواع سبک‌های دینداری پدید می‌آید (برگر، ۱۳۸۰، ص ۸۸). این وضعیت، باعث تضعیف تسلط دین بر جامعه و متکثر شدن واقعیت، هم اجتماعی و هم ذهنی دین می‌شود.

۲-۵. سرانجام اینکه شکل‌گیری یک خرده‌فرهنگ روشنفکری نیز در سکولار شدن، تأثیر بسزایی دارد. افراد این خرده‌فرهنگ جهانی، از نوعی آموزش عالی کاملاً سکولار، به

سبک غربی، به‌ویژه در ادبیات، علوم تجربی، علوم انسانی و علوم اجتماعی بهره‌مندند. این خرده‌فرهنگ، عمده‌ترین حامل ارزش‌ها و اعتقادات پیشرو و روش‌نگر است. پیروان این خرده‌فرهنگ جهانی، نفوذ فراوانی دارند و بر نهادهایی که تعریف رسمی پدیده‌هایی نظیر نظام آموزشی، وسایل ارتباط جمعی و حدود نظام حقوقی را ارائه می‌دهند، احاطه دارند (برگر، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

چهار نکته

در پایان، چهار نکته شایان توجه است:

نکته اول، بررسی جواب این پرسش است که آیا سکولار شدن افراد، در تحقق کثرت‌گرایی در جامعه، نقش و تأثیری دارد؟ چرا کثرت‌گرایی در جامعه سکولار راحت‌تر پذیرفته می‌شود؟ در مقام پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: از آنجا که کثرت‌گرایی و سکولار شدن، هر دو محصول تجدد هستند، تجددگرایی می‌تواند جوامع ناهمگون را به یکدیگر پیوند داده، ارتباطات فرهنگی میان این جوامع را ارتقا دهد. این دو عامل، یعنی گرد آمدن جوامع ناهمگون و ارتقای سطح ارتباطات فرهنگی، علاقه‌مندی به کثرت‌گرایی را تقویت می‌کند و با ایجاد انحصارطلبی‌های دینی سازگاری ندارد (برگر، ۱۳۸۰، ص ۲۰). از سوی دیگر، کثرت‌گرایی نیز، که از سکولار شدن و از بین رفتن جنبه جمعی دین و از بین رفتن واقعی بودن دین ناشی شده است، می‌تواند این‌گونه توصیف شود که سکولار شدن فی‌نفسه به کثرت‌گرایی دین منجر می‌گردد.

این نکته نیز شایان توجه است که در فرآیندی دیگر نیز سکولار شدن جامعه و دین، سبب هر چه بیشتر عصری شدن دین می‌گردد. کسانی معتقدند که دین از سیاست جدا است و نقشی در امور اجتماعی ندارد و آن را منحصر به جنبه‌های ایمانی و شخصی افراد می‌دانند و همچنین جنبه‌های شریعت‌مدارانه دین را منحصر به احوال شخصی می‌دانند. می‌توان گفت که از این دیدگاه، همه ادیان می‌توانند در یک جامعه حضور داشته باشند؛ زیرا قلمرو اصلی دیانت، همان حال و تجربه دینی و عرفان قلبی و درونی است و هر کسی می‌تواند تفسیری از حقیقت در درون خویش داشته باشد و در جامعه نیز مسائل اجتماعی، بر اساس رأی اکثریت و دموکراسی معین شود.

در جامعه سکولار، حل مسئله کثرت‌گرایی چندان دشوار نیست. بعضی نیز در دفاع از سکولار شدن، کثرت‌گرایی را به عنوان حجت و شاهد مطرح می‌کنند و می‌گویند: به دلیل

آنکه ادیان مختلف وجود دارند، باید به طرف سکولار شدن رفت؛ اما در جامعه‌ای که اعتقادی به سکولار شدن ندارد و معتقد به دینی است که در باب جنبه‌های اجتماعی و سیاسی، حکم و دستور دارد، مسئله کثرت‌گرایی دینی شکل دیگری پیدا می‌کند. حتی در جوامعی که اعتقادی به دین به مثابه گوهر و حقیقت معنوی وجود ندارد، حل مسئله کثرت‌گرایی دین نیز چندان دشوار نیست (حداد عادل، ص ۱۶).

دوم اینکه اختلاف برداشت فقها و یا مفسران از گزاره‌های دینی در باب یک مسئله یا موضوع، مثل وجوب نماز جمعه یا حرمت آن در زمان غیبت امام زمان (عج) زیر چتر بحث کثرت قرائات یا کثرت‌گرایی معرفتی دین قرار نمی‌گیرد؛ زیرا این موضوع با توجه به اقشار مختلف اجتماعی، که جزء پیروان دین و به منزله مشتریان نهادهای مختلف دینی به شمار می‌روند، تغییر می‌کند (برگر، ۱۳۷۵، ص ۷۲).

نکته سوم اینکه کسانی که از کثرت در قرائات دینی (کثرت‌گرایی معرفتی) دفاع می‌کنند و همچنین کسانی که با ارائه معرفتی جدید از متون دینی، به کثرت قرائت دینی دامن می‌زنند، در واقع، اگرچه ناخودآگاه می‌کوشند تا میان دانش و ارزش پیوندی برقرار کنند یا گزاره‌های ثابت دینی را با واقعیت موجود متحول منطبق سازند (سروش، در نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت) و یا راه‌حلی برای مسئله غایت در جهان معاصر پیدا کنند (نصر، در نظریه وحدت متعالی ادیان)؛ اما هر سه نتیجه فوق، ساحت قدسی معرفت‌های دینی را سکولار می‌کند (محمدی، ص ۲۰۰).

نکته پایانی اینکه برگر مطرح می‌کند که در علوم اجتماعی نمی‌توان به سادگی چنین استدلال کرد که یک واقعیت اجتماعی، همواره در جهتی مشابه به حرکت خود ادامه می‌دهد. وی از این قانون استفاده کرده، می‌گوید که بنابراین، برای سکولار شدن، حتی در اروپا نمی‌توان همواره سیری صعودی در نظر گرفت و انتظار داشت، بلکه این احتمال بسیار قوی است که در آینده، روند سکولار شدن توسط موانع مذهبی به مرور یا به یکباره متوقف گردد و یا حداقل رویه ضعف نهد. هنگامی که یک پدیده، که برای برخی از گروه‌های اجتماعی اهمیت دارد و تهدید به نابودی می‌شود، معمولاً راهکارهای دفاعی خود را به کار می‌اندازد تا از نابودی خود جلوگیری کرده، به حیات خود ادامه دهد. به همین دلیل است که احتمال پیدایش اشکال و نهضت‌های جدید دینی در آینده نیز بسیار قوی است.

از این رو، با وجود اینکه در خلال دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی نظریه سکولار شدن نضج گرفت و بیان‌کننده این بود که مدرن شدن به افول دین، هم در جامعه و هم در نظر

افراد، خواهد انجامید، در بسیاری از مناطق جهان، حرکت‌های قدرتمند ضد سکولار را به دنبال داشته است (برگر، ۱۳۸۰، ص ۱۹).

مؤلفه‌های سکولار شدن	مؤلفه‌های رفتار گزینشی با دین	شاخص‌های کثرت‌گرایی دین
<ul style="list-style-type: none"> - وابستگی پاکی انسان به نیت او - دوستی و ارتباط با پیروان مذاهب دیگر - عدم اهمیت نوع مذهب در رسیدن به حقیقت - افزایش تردید در آموزه‌ها و استدلال‌های دینی - تساهل و مدارای فرد (کاهش تعصب‌ورزی) - تمایل افراد به حکومت غیر دینی - توجه فرد به ضرورت‌های زندگی دنیوی و مسائل آن 	<ul style="list-style-type: none"> - تطابق دادن آموزه‌های دینی با علوم جدید - مراجعه به دستاوردهای بشری به جای توصیه‌های دینی - مراجعه مستقیم مردم به متون دینی - افزایش تردید در انجام دادن احکام شرعی ناموجه - افزایش توان فرد در تشخیص گناه از غیر گناه 	<ul style="list-style-type: none"> - تعداد مناطق سکونت پیروان ادیان در شهر - تعداد نهادها و فعالیت پیروان ادیان - تعداد گروه‌های دینی نوظهور (عرفان‌ها و جنبش‌های دینی) - تعداد مساجد، کلیسا، دیرها، کنیسه‌ها و... - تعداد به رسمیت شناخته شدن ادیان در قانون اساسی - تعداد محافل دینی نوظهور - تعداد محافل سنتی دینی (هیئت‌ها، مجالس محلی و زانه، و...)
<ul style="list-style-type: none"> - خصوصی شدن دین - توجه به فرد به جای توجه جمع - عدم نیاز دین به متولی - تبلیغی و رقابتی شدن دین به جای تحمیلی بودن (ترجیحی و گزینشی شدن دین به جای انحصارگرایی) - جدایی دین از سیاست 	<p>دین</p>	<ul style="list-style-type: none"> - میزان آشنایی با مکاتب فلسفی و کلامی جدید - میزان شناخت الهیات ادیان مختلف - میزان آشنایی با جریان‌های فکری - فرهنگی - آگاهی از قرائات جدید از متون دینی - میزان شناخت زیست‌جهان‌های مختلف
<ul style="list-style-type: none"> - اداره جامعه با تکیه بر دستاوردهای علمی به جای توصیه‌های دینی - تساهل و مدارای نهادهای دینی - سیطره سیاست غیر دینی بر جامعه 	<p>جامعه</p>	

پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، طرح سنجش میزان ارتباط کثرت‌گرایی افراد با تحصیلات عالیه (حوزوی و دانشگاهی) و پایگاه اجتماعی آنها با سکولار شدن است. چرا طلاب و دانشگاهیان؟ به دلیل اینکه طلاب به عنوان قشری که بیشترین ارتباط را با دینداری دارند و تحصیلکردگان دانشگاهی به عنوان قشری که بیشترین ارتباط را با اندیشه‌های سکولار دارند. بنابراین می‌توان پرسش‌های اصلی تحقیق را چنین مطرح کرد:

- آیا گرایش به سکولار شدن (باور به اینکه پاکی انسان به نیت او است، ارتباط با پیروان مذاهب دیگر، باور به عدم اهمیت نوع مذهب در رسیدن به حقیقت، تردید در آموزه‌های دینی، اهل تساهل و تسامح شدن) با پایگاه اجتماعی خانواده افراد ارتباط دارد.

- آیا میزان گرایش به سکولار شدن، در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی با شهری بودن، شغل والدین، هزینه ماهیانه آنان، تحصیلات عالیّه جدید آنان، آگاهی از جریان‌های فکری و فرهنگی جدید، شناخت مکاتب فلسفی و کلامی جدید، معتقد بودن به ضرورت قرائت جدید از متون دینی و آشنایی با ایدئولوژی‌های غربی، مرتبط است؟
- آیا طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی، با دین رفتار گزینشی می‌کنند (انطباق آموزه‌های دینی با علوم جدید، مراجعه به عقلانیت به جای توصیه‌های دینی، مراجعه مستقیم به متون دینی، تردید در انجام دادن احکام شرعی ناموجه، تشخیص گناه از غیر گناه)؟
- آیا رواج تکثر معرفتی در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی با سکولار شدن آنان ارتباط دارد؟

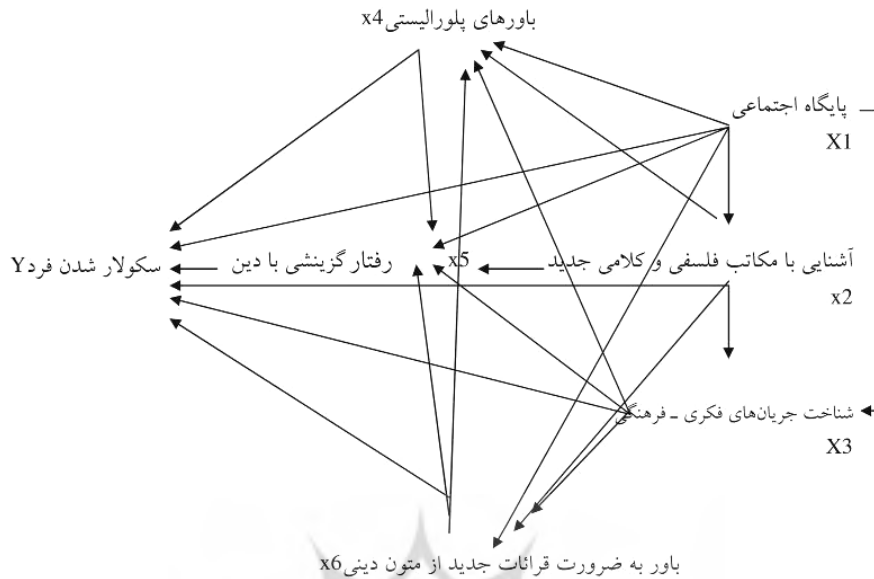
فرضیه‌ها

- رفتار گزینشی با دین، در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی شهری و روستایی تفاوت دارد.
- رفتار گزینشی با دین، در میان تحصیلکردگان دانشگاهی و طلابی که پدرشان روحانی نیست، با تحصیلکردگان دانشگاهی و طلابی که پدرشان روحانی است، تفاوت دارد.
- رفتار گزینشی با دین، در میان تحصیلکردگان دانشگاهی و طلاب با هزینه زندگی بالا و تحصیلکردگان دانشگاهی و طلاب با هزینه زندگی پایین تفاوت دارد.
- رفتار گزینشی با دین، در میان طلاب دارای تحصیلات عالیّه جدید و فاقد تحصیلات عالیّه جدید تفاوت دارد.
- رفتار گزینشی با دین، در میان تحصیلکردگان دانشگاهی با خانواده مذهبی و با خانواده کمتر مذهبی تفاوت دارد.
- رفتار گزینشی با دین، در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی، بر حسب میزان آگاهی آنان از جریان‌های فکری و فرهنگی جدید متفاوت است.
- رفتار گزینشی با دین، در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی معتقد به ضرورت قرائت‌های جدید از متون دینی و طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی معتقد به ضرورت یک قرائت از دین تفاوت دارد.
- گرایش سکولاری در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی شهری و روستایی تفاوت دارد.

- گرایش به سکولار بودن در میان تحصیلکردگان دانشگاهی و طلابی که پدرشان روحانی نیست، با تحصیلکردگان دانشگاهی و طلابی که پدرشان روحانی است، تفاوت دارد.
- گرایش‌های سکولاری در میان تحصیلکردگان دانشگاهی و طلاب با هزینه زندگی بالا و تحصیلکردگان دانشگاهی و طلاب با هزینه زندگی پایین تفاوت دارد.
- گرایش به سکولار بودن در میان طلاب دارای تحصیلات عالیه جدید و فاقد تحصیلات عالیه جدید تفاوت دارد.
- گرایش به سکولار بودن در میان تحصیلکردگان دانشگاهی با آموزش دینی و خانواده مذهبی و با خانواده غیر مذهبی تفاوت دارد.
- گرایش به سکولار شدن تحصیلکردگان دانشگاهی و طلاب بر حسب میزان آشنایی با جریان‌های فکری - فرهنگی جدید متفاوت است.
- گرایش‌های سکولاری در میان طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی معتقد به ضرورت قرائت‌های جدید از متون دینی و طلاب و تحصیلکردگان دانشگاهی معتقد به ضرورت یک قرائت از دین تفاوت دارد.
- تحصیلکردگان دانشگاهی و طلابی که بیشتر رفتار گزینشی با دین می‌کنند، گرایش به سکولار شدن را بیشتر از خود بروز می‌دهند.

الگوی تحلیل

در ایران به علت پیروی از دین واحد و یکدست و تشکیل حکومت دینی بر پایه آن و اینکه کشوری از لحاظ دینی واحد است، کثرت‌گرایی اجتماعی در آن جایی ندارد. لذا سکولار شدن افراد از این مسیر، به نظر محتمل نمی‌رسد. به همین دلیل، در طراحی الگوی تحلیل نیز این شکل از کثرت‌گرایی نادیده گرفته شده است؛ اما از مسیر کثرت قرائت‌های دینی (کثرت‌گرایی معرفتی) اگرچه تا سکولار شدن راهی بس طولانی در پیش دارد، اما پاره‌ای از قشر تحصیلکرده (حوزویان و دانشگاهیان) امروز تحت تأثیر جریان‌های روشنفکری غربی قرار گرفته‌اند که احتمالاً در آینده به سکولار شدن جامعه ایران منجر خواهد شد. با توجه به توضیح بالا، الگوی تحلیل مسیر زیر ارائه می‌گردد که برای نمایش تأثیر مجموعه متغیرهای مستقل (کثرت‌گرایی) بر متغیر وابسته (سکولار شدن) طراحی شده است. در تحلیل مسیر تبیین از طریق دنبال کردن پیوندهای علی میان متغیرهای اندازه‌گیری شده‌ای به دست می‌آید که فرض می‌شود رویدادی را که نیازمند تبیین است، توضیح می‌دهند.



متغیرها

در این تحقیق، «پایگاه اجتماعی»، مفهومی ترکیبی در نظر گرفته شده است و سه متغیر زیر، عناصر تشکیل دهنده آن محسوب شده‌اند:

۱. منزلت شغلی پدر با ضریب اهمیت سه.
۲. هزینه ماهیانه خانواده پدری با ضریب اهمیت یک.
۳. تحصیلات جدید عالی با ضریب اهمیت دو.

بر این اساس، شش متغیر مورد نظر در این تحقیق، بر حسب نوع آنها، به این شرح خواهند بود: «پایگاه اجتماعی» (X_1)، «آشنایی با مکاتب فلسفی و کلامی جدید» (X_2)، «شناخت جریان‌های فکری - فرهنگی» (X_3)، «باورهای پلورالیستی» (X_4)، «رفتار گزینشی با دین» (X_5)، «باور به ضرورت قرائات جدید از متون دینی» (X_6) و «سکولار شدن فرد» [متغیر وابسته (Y)].

- برای سنجش «پایگاه اجتماعی» (X_1)، در پرسش‌نامه (پرسش‌نامه ضمیمه گزارش است) سه سؤال درباره منزلت شغلی پدر، هزینه ماهیانه خانواده پدری و تحصیلات جدید عالی طرح شد. سنجش تحصیلات جدید با پنج سطح، دیپلم تا دکتری، که از ۱ تا ۵ کدگذاری شد. برای سنجش هزینه ماهیانه خانواده در سه سطح، هزینه زیر پانصد هزار تومان، بین پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان و بالای یک میلیون تومان هزینه

- در ماه، از ۱ تا ۳ کدگذاری شد. سرانجام برای سنجش منزلت شغلی پدر، در پنج مقوله کارگر، کارمند، آزاد، فرهنگی و روحانی و با کد ۱ تا ۵ کدگذاری شد.
- برای سنجش «آشنایی با مکاتب فلسفی و کلامی جدید» (X۲)، سه سؤال طرح شده است که جواب آنها چهارگزینه‌ای است. در استخراج داده‌ها و تحلیل آنها، به جواب درست کد ۱ و به جواب غلط کد صفر داده شده است.
 - برای سنجش «شناخت جریان‌های فکری - فرهنگی» (X۳) نیز هفده سؤال از جریان‌های فکری ایران معاصر طرح شده است تا میزان آشنایی پاسخگویان (دانشگاهیان و حوزویان) را از این جریان‌ها بسنجد. این سؤالات نیز چهارجوابی است که جواب درست با کد ۱ و جواب غلط با کد صفر کدگذاری شده است.
 - سنجش «باورهای پلورالیستی» (X۴) نیز با شش سؤال انجام شده است که جواب آنها در یک طیف کاملاً مخالفم کد ۱، مخالفم کد ۲، نمی‌دانم کد ۳، موافقم کد ۴ و کاملاً موافقم کد ۵، تنظیم شده است.
 - برای سنجش «رفتار گزینشی با دین» (X۵) هم پنج سؤال و با طیف کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم و با کد ۱ تا ۵ طرح شده است.
 - برای سنجش «باور به ضرورت قرائات جدید از متون دینی» (X۶) نیز پنج سؤال طرح شده است. این سؤالات نیز چهارجوابی است که جواب درست با کد ۱ و جواب غلط با کد صفر کدگذاری شده است.
 - سرانجام، سنجش «سکولار شدن فرد» یعنی متغیر وابسته (Y) با هفده سؤال و با طیف کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم سنجیده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پرسش نامه

پاسخگوی گرامی

سؤالات ذیل درباره اعتقادات شخصی شما است. خواهشمند است با گذاشتن علامت × در مقابل سؤالات، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر گزینه بیان کنید.

۱. سن:

- ۲۰ تا ۲۵ سال ۲۵ تا ۳۰ سال ۳۰ تا ۴۰ سال بالاتر از ۴۰ سال
۲. میزان تحصیلات جدید:
- دیپلم فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس دکترا
۳. میزان تحصیلات حوزوی:
- مقدمات سطح ۱ سطح ۲ سطح ۳ سطح ۴
۴. محل تولد شما:
- اگر محل تولدتان شهر است: شهر مرکز استان شهرستان روستا
۵. شغل پدرتان چیست؟
- روحانی کارمند کارگر شغل آزاد فرهنگی استاد دانشگاه
۶. میزان هزینه ماهیانه خانواده خود یا پدر؟
- زیر پانصد هزار تومان در ماه بین پانصد تا یک میلیون در ماه بالای یک میلیون در ماه

ردیف	سؤالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	نه موافقم نه مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم
۷	معتقدم بهتر است نهادها و فعالیت سایر ادیان و مذاهب در جامعه زیاد شود					
۸	باور دارم افزایش عرفان‌های نوظهور و گرایش‌های دینی جدید اشکالی ندارد					
۹	حاضر در جامعه‌ای غیر اسلامی یا غیر شیعی با آرامش زندگی کنم					
۱۰	برای من نوع مذهب افرادی که در روز با آنان معاشرت دارم، مهم نیست					
۱۱	باور دارم پیروان همه ادیان، اهل نجاتند					
۱۲	باور دارم با هر دینی می‌توان به سعادت دنیوی و اخروی رسید					
۱۳	پیشرفت علوم بر فهم من از متون دینی اثر می‌گذارد					
۱۴	اعتبار آموزه‌های دینی را با علوم جدید می‌سنجم					
۱۵	برای رفع حواجی زندگی به علوم جدید مراجعه می‌کنم تا به آموزه‌های دینی					
۱۶	هنگام درد به پزشک مراجعه می‌کنم نه به دعاهای وارده برای شفای آن درد					
۱۷	گاهی در انجام دادن احکام شرعی ناموجه شک و تردید می‌کنم					
۱۸	کاملاً می‌توانم گناه را از غیر گناه تشخیص دهم					
۱۹	پاکی انسان به خلوص نیت او است					
۲۰	ارتباط و تعامل با پیروان مذاهب دیگر خوب و مفید است					

ردیف	سؤالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	نه موافقم نه مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۱	برای رسیدن به حقیقت، نوع دین مهم نیست					
۲۲	در آموزه‌ها و استدلال‌های دینی، بیشتر از گذشته تردید می‌کنم					
۲۳	نسبت به گذشته، تعصب کمتری در مسائل دینی دارم					
۲۴	دربارهٔ پیروان ادیان دیگر، نسبت به گذشته، بیشتر تساهل و مدارا می‌کنم					
۲۵	تمایلم نسبت به حکومت دینی کمتر از گذشته شده است					
۲۶	دین امری فردی و خصوصی است					
۲۷	نهادهای دینی بهتر است به فرد توجه کنند تا به جمع					
۲۸	دین نیاز به متولی ندارد					
۲۹	ادیان بهتر است تبلیغی و رقابتی باشند					
۳۰	دین و مذهب را به هیچ کسی تحمیل نمی‌کنم					
۳۱	دوست دارم فرزندم دین و مذهبش را خود انتخاب کند					
۳۲	معتقد نیستم حقانیت فقط در یک دین وجود دارد					
۳۳	در جامعه‌ای که طبق مدیریت علمی اداره شود، احساس آزادی بیشتری دارم					
۳۴	با پیروان ادیان دیگر مدارا می‌کنم					
۳۵	جامعه‌ای که طبق دستاوردهای بشری اداره می‌شود، شادابتر بوده، آرامش بیشتری دارد					

به نظر شما پاسخ صحیح هر سؤال، کدام گزینه است. با علامت × نظر خود را بیان کنید.

۳۶. ایدهٔ وحدت متعالی ادیان، از آن کدام جریان فکری است؟
 تحلیل زبانی باستان‌گرایی سنت‌گرایی اخلاق‌گرایی
۳۷. سید حسین نصر نظریه‌پرداز چه جریان فکری است؟
 اخلاق‌گرایی سنت‌گرایی تحلیل زبانی باستان‌گرایی
۳۸. چه جریان فکری‌ای به فرهنگ ایران باستان از خود اشتیاق نشان می‌دهد؟
 فمینیسم ایرانی سنت‌گرایی اخلاق‌گرا باستان‌گرایی
۳۹. آرکائیسیم به چه معنا است؟
 باستان‌گرایی تحلیل زبانی اخلاق‌گرایی سنت‌گرایی
۴۰. چه جریان فکری با حقوق بشر مخالف است؟
 اخلاق‌گرایی هایدگری باستان‌گرایی فمینیسم
۴۱. فردید غرب‌زدگی را بر چند گونه می‌دانند؟
 ۵ گونه ۶ گونه ۷ گونه ۸ گونه
۴۲. خاستگاه اندیشهٔ فردید اندیشه‌های چه کسی است؟
 پوپر دیوید هیوم هایدگر پلاتنیجا

۴۳. شاخص‌ترین فرد تحلیل‌زبانی در ایران چه کسی است؟
 شریعتی مجتهد شبستری داوری سروش
۴۴. جریان تحلیل‌زبانی در ایران، تحت تأثیر اندیشه‌های کدام فیلسوف غربی است؟
 پوپر هایدگر استوارت میل بیکن
۴۵. فمینیسم جنسیت‌گرا در کدام موج فمینیسم قرار دارد؟
 موج اول موج دوم موج سوم موج چهارم
۴۶. کدام مجله در ایران گرایش‌های فمینیسمی دارد؟
 پیام زن حجاب هاجر زنان
۴۷. کاستاندا کیست؟
 آثارش معرف عرفان سرخ‌پوستی است عارف سرخ‌پوست
 فیلسوف آمریکایی استاد دون‌خوان
۴۸. این تعریف انسان در چه جریانی مطرح است: «انسان‌ها متشکل از تعداد بی‌پایانی از میدان‌های انرژی رشته‌گونه‌اند که همچون گوی درخشانی متجلی می‌شوند»؟
 عرفان هندی عرفان بودایی عرفان اسلامی عرفان سرخ‌پوستی
۴۹. پائولو کیست؟
 عارف اسپانیایی عارف برزیلی عارف هندی عارف سرخ‌پوستی
۵۰. معتقدان به کدام جریان، در همه مسائل و معضلات اجتماعی، به اعتبار عقل سلیم باور دارند؟
 جریان هایدگری سنت‌گرایان جریان اخلاق‌گرا فمینیستی
۵۱. کریشنا مورتی کیست؟
 عارف سرخ‌پوستی نویسنده، متفکر و عارف هندی
 عارف برزیلی عارف شنتویی
۵۲. جریان‌های عرفان شرقی مطرح در ایران کدامند؟
 بودایی، شنتویی هندوئیسم، شنتویی، سرخ‌پوستی
 بوداگری، هندوئیسم و تائو هیچ‌کدام
۵۳. آلفرد نورث وایتهد مبدع چه فلسفه‌ای است؟
 فلسفه پویشی فلسفه تجربه‌گرایی فلسفه پوزیتیویستی فلسفه پراگماتیستی
۵۴. فلسفه پدیدارشناسی اثر کدام فیلسوف است؟
 یاسپرس هابرماس ادموند هوسرل آلفرد شوتس
۵۵. علم کلام جدید با کلام قدیم چه نسبتی دارند؟
 هر دو یک علم هستند کاملاً مستقل هستند موضوع مشترک دارند در روش اختلاف دارند
۵۶. قرائت تبارشناسانه (تاریخی) از دین از کیست؟
 محمد ارکون محمد جابری ابوزید فاطمه مرینسی
۵۷. نوع قرائت سید احمدخان چیست؟
 علمی عرفانی معرفت‌شناختی روایی
۵۸. ادعای تأثیر پیشرفت علوم بر فهم دینی از گزاره‌های دینی، چه نوع قرائتی را ارائه می‌کند؟
 معرفت‌شناختی علمی پوزیتیویستی مارکسیستی
۵۹. فهم علمی از متون دینی چه نوع فهمی است؟
 فهم مبتنی بر رشد معرفت‌شناسی جدید فهم مطابق با تکنولوژی
 فهم مطابق با دستاوردهای علوم هیچ‌کدام
۶۰. فهم تأویلی جزء کدام‌یک از فهم‌های متون است؟
 تفسیری کشف و شهودی علمی تاریخی

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، روشن شد که لازمه پذیرش قرائت‌های متعدد از دین، این است که در بود و نبود دین، تفاوتی وجود نخواهد داشت. دینی که معانی متضادی را برتابد و قابل تفسیرهای گوناگون باشد، بود و نبودش مساوی است. اگر بپذیریم که معرفت‌ها و قرائت‌های مختلف از دین وجود دارد، دیگر فهم مقدس و چیزی که سخن خدا نامیده شود و تسلیم در برابر آن لازم باشد، باقی نخواهد ماند و این به معنای سکولار شدن دین است.

از این رو، کثرت‌گرایی اجتماعی و معرفتی می‌تواند مسیری برای سکولار شدن باشد؛ زیرا اولاً، افراد و مؤسسات زیادی را در جریان امور درگیر می‌کند؛ ثانیاً، به افراد، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، هویت‌ها و تعین‌های زیاد، اما غیر قدسی می‌بخشد؛ ثالثاً، نیازها و خواسته‌های آنها را افزایش می‌دهد.

طبق نظریه طرح سنجش ارائه شده می‌توان این فرضیه را ارزیابی کرد که در شرایط دینی ایران، امکان سکولار شدن قشر تحصیلکرده از مسیر کثرت‌گرایی اجتماعی، مشکل به نظر می‌رسد. در ایران به علت پیروی از دین واحد و یکدست و تشکیل حکومت دینی بر پایه آن و اینکه کشوری از لحاظ دینی واحد است، کثرت‌گرایی اجتماعی در آنجایی ندارد. لذا سکولار شدن قشر تحصیلکرده از این مسیر، به نظر محتمل نمی‌رسد؛ اما از مسیر کثرت قرائت‌های دینی (کثرت‌گرایی معرفتی) اگرچه تا سکولار شدن راهی بس طولانی در پیش دارد، اما نسل جوان و قشر تحصیلکرده امروز تحت تأثیر جریان‌های روشنفکری غربی، درصدد چنگا نه و ارائه قرائت‌های جدید هستند که احتمالاً در آینده به سکولار شدن جامعه ایران منجر خواهد شد.

سکولار شدن با توجه به اقشار مختلف اجتماعی، که جزء پیروان دین و به منزله مشتریان نهادهای مختلف دینی به شمار می‌روند، تغییر می‌کند؛ مثلاً در جامعه‌ای که فاقد ساختار و نظام دینی است و به عبارت دیگر، در جامعه دینداران، مثل ایران قبل از انقلاب، کثرت‌گرایی سبب تعصب‌ورزی می‌شود؛ اما در جامعه‌ای با ساختار و نظام دینی، مثل ایران پس از انقلاب، کثرت‌گرایی سبب سکولار شدن می‌شود.

منابع

- برگر، پیتر و تامس لاکمن (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- برگر، پیتر، بریجیت برگر و هانسفرید کلنر (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان، آگاهی و نوسازی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- برگر، پیترا (۱۳۸۰)، افول سکولاریزم، دین خیزش گر و سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، تهران: نشر پنگان.
- _____ (۱۳۷۵)، «غیر دینی شدن، منشأ کثرت‌گرایی است»، ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی، نامه فرهنگ، س ۶، ش ۲۴.
- تیلور، چارلز (۱۳۸۷)، تنوع دین در روزگار ما، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران: نشر شور.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵)، ملاحظاتی در باب پلورالیسم، نامه فرهنگ، س ۶، ش ۲۴.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۲)، پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین، تهران: سروش.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰)، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۰)، عرفی شدن ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷۱-۱۷۲.
- _____ (۱۳۸۵)، «مسیر محتمل در عرفی شدن ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۱.
- لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۹)، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ترجمه نرجس جوان‌دل، قم: طه.
- _____ (۱۳۷۶)، پلورالیسم، بررسی اصول اخلاقی و سیاسی، ترجمه محمد حسین‌زاده، مجله معرفت، ش ۲۲. *بوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی*
- محمدی، مجید (۱۳۷۷)، سر بر آستان قدسی، دل در گرو عرفی، تهران: نشر قطره.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، تعدد قرائت‌ها، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- هیک، جان، مباحث پلورالیسم دینی (۱۳۷۸)، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- Berger, Peter L., *Reflections on the Sociolog of Religion Today*, 2001, www.findaricls.com.
- Berger, Peter L., *Sacred Canopy; Elements of a Sociological Theory of Religion*, Anchor Books/Doubleday, 1967.